

Investigating the institutional barriers to entrepreneurship development and the role of government in moderating them:

The Case of Iran

Mohammad Daneshniya

Ph.D student of economics, School of Economics, Management, and Social Science, shiraz university, Shiraz, Iran. mohammad.daneshnia@gmail.com

Ali Hussein Samadi

Corresponding Author, Professor in Economics, School of Economics, Management, and Social Science, shiraz university, Shiraz, Iran. asamadi@rose.shirazu.ac.ir

Ebrahim Hadiyan

Associate Professor, School of Economics, Management, and Social Science, Shiraz university, Shiraz, Iran. ehadian@ rose.shirazu.ac.ir

Hosein Marzban

Associate Professor, School of Economics, Management, and Social Science, Shiraz university, Shiraz, Iran. Dr.marzban@gmail.com

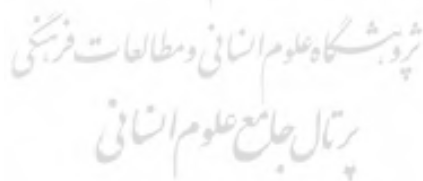
Abstract

This paper examines the institutional and economic barriers to entrepreneurship development in Iran and the role of government in moderating them. For this purpose, first, using the grounded theory model the relationships between the variables are examined and then, using a Structural Equation Modeling technique, the model is estimated and the hypotheses are tested. The results of the grounded theory model showed that a total of ۲۷ main concepts can be mentioned as obstacles to entrepreneurship development in Iran. Thus, the ۱۰ concepts of political, cultural, legal, educational, technological environment, government structure, macroeconomics, financial environment, geographical environment and production structure are causal conditions that are under two categories of institutional and economic factors. ۷ concepts of efficiency, opportunity, creativity, risk-taking, need for success, desire for independence and power-seeking Entrepreneurs under the category of characteristics of

entrepreneurs are the underlying conditions of entrepreneurship development. In addition, ۷ concepts of creating a legal framework, drawing special policies, infrastructure development, culture building, providing special services, industry relations and financial aid, under the category of government role, conditions of intervention of the lack of entrepreneurship development and finally, the three concepts of reducing economic growth, increasing poverty and income inequality and reducing the employment rate are the consequences of lack of entrepreneurship development in Iran. The results of structural equation modeling showed that the government can play a significant moderating role between causal conditions (institutional and economic barriers) and lack of entrepreneurship development in Iran and increase the positive effect of institutional and economic barriers on lack of entrepreneurship development.

Keywords: Entrepreneurship, Government, Grounded Theory Model, Structural Equation Modeling

JEL Classification: C۵۱، L۲۶، O۱۷



بررسی موانع نهادی توسعه کارآفرینی و نقش دولت در تعدیل آن‌ها؛ مطالعه موردی ایران^۱

محمد دانش‌نیا

دانشجوی دکتری رشته اقتصاد، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
mohammad.daneshnia@gmail.com

علی حسین صمدی

نویسنده مسئول، استاد دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
asamadi@rose.shirazu.ac.ir

ابراهیم هادیان

دانشیار دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران ehadian@
rose.shirazu.ac.ir

حسین مرزبان

دانشیار دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران
Dr.marzban@gmail.com

چکیده

این مقاله به بررسی موانع نهادی و اقتصادی توسعه کارآفرینی در ایران و نقش دولت در تعدیل آن‌ها پرداخته است. برای این منظور، ابتدا با استفاده از نظریه زمینه‌ای (GT) روابط بین متغیرها مورد بررسی و سپس با استفاده از سیستم معادلات ساختاری به برآورد الگو و آزمون فرضیه‌ها پرداخته شده است. نتایج الگوی نظریه زمینه‌ای نشان داد که مجموعاً ۲۷ مفهوم اصلی می‌تواند به‌عنوان موانع توسعه کارآفرینی در ایران بیان شود؛ به‌طوری‌که ۱۰ مفهوم محیط سیاسی، فرهنگی، حقوقی، آموزشی، فناوری، ساختار دولت، اقتصاد کلان، محیط مالی، محیط جغرافیایی و ساختار تولید شرایط علی هستند و با دو مقوله‌ی عوامل نهادی و اقتصادی دسته‌بندی شدند. ۷ مفهوم کارآمدی، فرصت‌طلبی، خلاقیت، ریسک‌پذیری، نیاز به موفقیت، تمایل به استقلال و قدرت‌طلبی کارآفرینان با مقوله‌ی ویژگی‌های کارآفرینان، شرایط زمینه‌ای عدم توسعه کارآفرینی تشخیص داده شدند. علاوه بر این، ۷ مفهوم ایجاد بستر قانونی، ترسیم خط‌مشی‌های ویژه، توسعه زیرساخت‌ها، فرهنگ‌سازی، ارائه‌ی خدمات ویژه، ارتباط با صنعت و کمک‌های

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز [CC BY-NC-ND \(http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/\)](http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/4.0/) است.

مالی، با مقوله‌ی نقش دولت و به عنوان شرایط مداخله‌گر عدم توسعه‌ی کارآفرینی و در نهایت، ۳ مفهوم کاهش رشد اقتصادی، افزایش فقر و نابرابری درآمدی و کاهش نرخ اشتغال، پیامدهای عدم توسعه‌ی کارآفرینی در ایران شناخته شدند. نتایج الگوی معادلات ساختاری نشان داد که دولت می‌تواند نقش تعدیل‌گر معناداری بین شرایط علی (موانع نهادی و اقتصادی) و عدم توسعه‌ی کارآفرینی در ایران داشته باشد؛ هر چند خود دولت باعث افزایش اثر منفی موانع نهادی و اقتصادی بر عدم توسعه کارآفرینی شده است.

واژه‌های کلیدی: کارآفرینی، نقش دولت، الگوی نظریه زمینه‌ای، الگوی معادلات

ساختاری، ایران

طبقه‌بندی JEL: C۵۱، L۲۶، O۱۷

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۹/۱۶ تاریخ بازبینی: ۹۹/۱۱/۰۶ تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۱۲

فصلنامه راهبرد اقتصادی، سال ۱۰، شماره ۱، بهار ۱۴۰۰، صص ۷۱-۱۰۸



مقدمه

یکی از مفاهیمی که طی چند دهه‌ی اخیر توجه اقتصاددانان و جامعه‌شناسان را به خود معطوف کرده، واژه‌ی کارآفرینی است. مطالعات تجربی بسیاری نشان داده‌اند که خلق کسب‌وکارهای جدید اثر مثبت و معناداری بر رشد و توسعه اقتصادی کشورها بر جای گذاشته است (Aghion, ۲۰۱۰). اهمیت پیدا کردن مفهوم کارآفرینی در دهه‌های اخیر منجر شده است که محققین از زوایای گوناگونی به بررسی عوامل مؤثر بر آن پرداخته و عوامل تسهیل‌کننده و پیش‌برنده‌ی فعالیت‌های نوآورانه و کسب‌وکارها و همچنین موانع سد راه تحقق این نوع از فعالیت‌ها را بررسی کنند. در این راستا، ابعاد مختلف اثرگذار بر کارآفرینی از جمله محیط کلان اقتصاد (کرنوگاج و هجنیک^۱، ۲۰۱۶)، محیط سیاسی (صمدی^۲، ۲۰۱۸)، محیط فرهنگی (اشپیگل^۳، ۲۰۱۷) و آموزش (بودریکس و همکاران^۴، ۲۰۱۹) و غیره مورد بررسی قرار گرفته است. در این میان مساعد بودن محیط کسب‌وکار و وجود محیط نهادی قوی به عنوان یکی از عوامل مؤثر در توسعه‌ی کارآفرینی شناخته شده است به طوری که هال و جونز^۵ (۱۹۹۲) محیط نهادی مطلوب را به عنوان محیط بسترساز فعالیت‌های مولد، مشوق انباشت سرمایه، کسب مهارت، اختراع و انتقال فناوری دانسته‌اند.

۱. Crnogaj and Hojnik

۲. Samadi

۳. Spigel

۴. Boudreaux

۵. Hall & Jones

ایران یکی از کشورهای است که دارای رتبه‌های بالا از نظر جایگاه علمی، وفور منابع طبیعی و ارزان، نیروی‌های تحصیل‌کرده‌ی مستعد و توانا است؛ به طوری که در سال ۱۳۹۸ و شش ماهه‌ی اول سال ۱۳۹۹ رتبه‌ی نخست تولید علم را در جهان اسلام به خود اختصاص داده و نزدیک ۲۰ درصد از کل تولیدات علمی در بین کشورهای اسلامی را دارا بوده است. ایران در سال ۲۰۱۹ رتبه‌ی ۱۶ ام تولید علم در جهان کسب کرده است. مک‌برید^۱ (۲۰۱۶) با هفت استدلال مختلف بیان می‌کند که ایران می‌تواند تبدیل به یک نیروگاه کارآفرینی^۲ شود (رضایی، دانا و ویلاندا^۳، ۲۰۱۷). با این وجود، بررسی رتبه و جایگاه کارآفرینی ایران در سطح جهان نشان دهنده نامناسب بودن آن است؛ به طوری که جایگاه ایران از حیث کارآفرینی در بین ۱۳۷ کشور دنیا ۷۲ و در بین کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا ۱۱ است (GEI, ۲۰۱۹). سؤالی که به ذهن متبادر می‌شود این است که چرا با توجه به جایگاه علمی ایران و وفور منابع طبیعی و ارزان، نیروی‌های تحصیل‌کرده‌ی مستعد و توانا جایگاه مناسبی از حیث کارآفرینی در بین سایر کشورهای جهان برخوردار نیست؟ در راستای پاسخ به این سؤال، هدف مطالعه‌ی حاضر، یافتن موانع توسعه‌ی کارآفرینی در ایران است. بدین منظور، با توجه به نظریه شین^۴ (۲۰۰۳) -که عوامل نهادی و اقتصادی را عاملی در جهت عدم توسعه‌ی کارآفرینی می‌داند- ابتدا موانع اقتصادی و نهادی توسعه‌ی کارآفرینی در ایران مورد بررسی قرار گرفته و با توجه به اهمیت و جایگاه نقش دولت در اقتصاد، به‌عنوان یک عامل تسهیل‌کننده موانع کارآفرینی، بررسی شده است.

مقاله حاضر در شش قسمت تدوین شده است. بخش دوم به مبانی نظری اختصاص یافته و در بخش سوم مطالعات مرتبط با موضوع مقاله‌ی حاضر مرور شده است. در بخش‌های چهارم و پنجم به ترتیب روش پژوهش و نتایج پژوهش ارائه گردیده و بخش آخر نیز شامل نتیجه‌گیری و پیشنهادات است.

۱. MacBride

۲. Entrepreneurial Powerhouse

۳. Rezaei, Dana, Ramadani, Veland

۴. Shane

۱. مبانی نظری

۱-۱. موانع نهادی و اقتصادی توسعه کارآفرینی

کارآفرینی یک مفهوم چندبعدی، چند سطحی و بین‌رشته‌ای است که رشته‌های اقتصاد، مدیریت و روانشناسی در تکمیل و توسعه آن نقش به‌سزایی داشته‌اند. این مفهوم سابقه‌ای طولانی دارد اما در ادبیات اقتصادی نسبت به سایر رشته‌ها (تاریخ، روانشناسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی) کمتر مورد توجه قرار گرفته است (Samadi, ۲۰۱۸). افرادی مثل سی^۱، شومپتر^۲، روزن^۳، کانتیلون^۴ و فیلیون^۵ هر کدام بر اساس روش‌شناسی کار تحقیقاتی خود، تعریف‌های خاصی از کارآفرینی ارائه کرده‌اند (Wadhvani and Geoffrey, ۲۰۱۴). در سال ۱۷۷۵ اصطلاح کارآفرینی برای اولین بار توسط کانتیلون^۵ (۱۷۷۵) مورد استفاده قرار گرفت. وی کارآفرین را فردی ریسک‌پذیر معرفی کرد. در قرن بیستم، به واسطه تعریفی که شومپتر (۱۹۵۴) از فرد کارآفرین ارائه کرد، چرخشی متفاوت و تأثیرگذار در تعریف کارآفرینی به وجود آمد. وی کارآفرین را عامل تغییر در اقتصاد از طریق «تخریب خلاق»^۶ معرفی کرد؛ بدین معنا که فرد یا (تیم) نوآور محصول خلاقانه‌ی خود را به بازار (رقابتی) وارد می‌کند و موجب خروج بنگاه‌های کمتر بهره‌ور از بازار می‌گردد. اقدام کارآفرینانه در صورت موفقیت مورد تقلید قرار گرفته و موجب تغییر (ساختار صنعت) در سطح گسترده می‌شود (García and Toninelli, ۲۰۱۰). از دیدگاه شومپتر، کارآفرین فردی نوآور است که در ادبیات کسب‌وکار، رهبر، نامیده می‌شود و کسی است که عملاً با یک مدیر متفاوت است. شومپتر همچنین در سال ۱۹۳۴ در نظریه‌ی تکاملی توسعه‌ی اقتصادی خود، بین کارآفرینی و نوآوری ارتباطی منحصر به فرد برقرار کرد. مشخصه‌ی یک کارآفرین، عملکرد و خلاقیت او

۱. Say

۲. Rosen

۳. Contilon

۴. Filon

۵. Cantillon

۶. Creative Destruction

در ارتباط با محیط است که از مدیریت متمایز است. همچنین ماهیت عملکرد کارآفرینان تنها در روند نوآوری ظاهر می‌گردد. کارآفرینان ممکن است در زمان‌های مختلف هم یک مدیر خوب باشند و هم نوآوری و عملکرد مطلوبی از خود بروز دهند (Schumpeter, ۱۹۳۴).

به لحاظ نظری، شین^۱ (۲۰۰۳) دو عامل محیط نهادی و محیط اقتصادی را بر توسعه (و یا عدم توسعه) کارآفرینی مؤثر می‌داند. محیط نهادی متشکل از محیط سیاسی، محیط علمی و آموزشی، محیط فرهنگی، محیط قانونی و حقوقی و ساختار و عملکرد دولت و محیط اقتصادی شامل زیر بخش‌های محیط اقتصاد کلان، محیط مالی، محیط جغرافیایی و ساختار تولید است. در ادامه توضیح مختصری از تأثیر هر کدام از این عوامل بر کارآفرینی ارائه می‌شود.

الف) موانع نهادی توسعه‌ی کارآفرینی

در یک تعریف کلی، نهادها شامل قوانین و مقررات اقتصادی حاکم بر فضای اقتصادی یک جامعه، سیاست‌های کوتاه‌مدت و درازمدت دولت، نظام‌های قانون‌گذاری، اداری، حقوقی و قضایی است که این مجموعه عوامل، توأمأ شکل دهنده‌ی محیط اقتصادی تولید، تجارت و سرمایه‌گذاری در یک کشور تلقی می‌شوند (هال و جونز، ۱۹۹۲، ۲: ۱۶). نورث^۳ (۲۰۰۵) عامل مهم و اصلی در عملکرد اقتصادی را نهاد می‌پندارد. ایشان قوانین رسمی، هنجارهای غیررسمی و ویژگی‌های اجرایی آن‌ها را نهاد برمی‌شمرد. در ادبیات نهادگرایی، نهادها در دو گروه نهادهای رسمی^۴ و نهادهای غیررسمی^۵ طبقه‌بندی می‌شوند. نهادهای غیررسمی، شامل قواعد غیررسمی، آداب و رسوم، هنجارهای اجتماعی و فرهنگی و غیره هستند و از پیچیدگی، تنوع و ماندگاری بیشتری نسبت به نهادهای رسمی

۱. Shane

۲. Hall and Jones

۳. North

۴. Formal Institution.

۵. Informal Institution.

برخورد دارند. نهادهای رسمی شامل نهادهای سیاسی و حقوقی می‌باشند که دربرگیرنده‌ی نظام اجرایی، نظام قانون‌گذاری و قضایی و مجموعه قواعد و قوانین رسمی کشور هستند که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم فعالیت‌های کارآفرینانه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. محیط نهادی یک کشور دربرگیرنده‌ی قوانین نسبتاً باثبات، ساختارهای شناختی و هنجارهای^۱ اجتماعی است که فعالیت‌های اقتصادی داخلی را متأثر می‌سازد (Scott and Christensen, ۱۹۹۵).

در ادامه تأثیر هر کدام از محیط‌ها بر کارآفرینی به صورت مختصر توضیح داده شده است.

محیط سیاسی: محیط سیاسی اثربخش و کارا می‌تواند کارآفرینی را توسعه داده و در نقطه مقابل، محیط سیاسی ناکارا، ریسک سیاسی و مداخلات سیاسی، مانع توسعه کارآفرینی شود. همچنین، بازارهای در معرض بازی‌های سیاسی، رانت جویی و تصاحب ثروت، هزینه کارآفرینان مولد را افزایش داده و در نتیجه فضای بی‌توجهی به فعالیت‌های کارآفرینی به وجود می‌آید (Samadi, ۲۰۱۸ & Sobel, ۲۰۰۸).

محیط علمی - آموزشی: ایجاد فرصت‌های آموزشی، آموزش‌های حرفه‌ای و در نهایت توسعه سرمایه‌های آموزشی به عنوان عاملی کلیدی در خلق سرمایه انسانی، می‌تواند از توسعه‌ی کارآفرینی پشتیبانی کند. ایجاد و توسعه‌ی کارآفرینی به جهت زمینه‌ی آموزش، تحقیق و نوآوری که ایجاد می‌کنند، به مؤسسات آموزش عالی و دانشگاه‌ها مرتبط می‌شوند (Fuentelsaz et al. & Terjesen and Hessles, ۲۰۰۹, al, ۲۰۱۹, Boudreaux et al, ۲۰۱۸).

محیط فرهنگی: این محیط برحسب ارزش‌ها، عقاید، فرهنگ کار، ریسک‌پذیری و نگرش به فعالیت کارآفرینانه، انگیزه‌هایی برای بهره‌برداری از فرصت‌ها و توسعه‌ی کارآفرینی ایجاد می‌کند (Volchek et al, & Suresh and Ramraj, ۲۰۱۲, Spiegel, ۲۰۱۷, ۲۰۱۵)؛ به عبارت دیگر، فرهنگ، نظامی از ارزش‌ها، عقاید و مفروضات است که بر فعالیت‌ها و روش انجام کارها اثر دارد. از این رو، در جامعه‌ای که سطح ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی بالا باشد و افراد متعهد به رعایت آن‌ها

۱. Norms.

هستند، اعتماد متقابل وجود دارد و تمایل به درگیر شدن در رفتار فرصت طلبانه محدود و انگیزه‌ی کافی برای توسعه‌ی فعالیت‌های کارآفرینانه شکل می‌گیرد. در مقابل، در جامعه‌ای که سطح هنجارها پایین بوده و حمایت ضعیفی از این هنجارها صورت می‌گیرد، اعتماد متقابل وجود نداشته و فرصت‌طلبی مسئله‌ای جدی گردیده و بنابراین، انگیزه‌ای برای کارآفرینی وجود نخواهد داشت.

محیط قانونی و حقوقی: این محیط (مشمول بر کیفیت مقررات، حقوق مالکیت، قوانین مالیاتی، ساختارهای قانونی، قوانین توسعه‌ی ملی، قانون کار، نحوه‌ی تعیین نرخ مالیات، قانون بیمه و ...) می‌تواند منجر به توسعه‌ی کارآفرینی شود. در یک جامعه‌ی نظام‌مند و مبتنی بر قانون که رویه‌های انجام فعالیت‌های کارآفرینی مشخص و واضح هست، شروع و انجام این‌گونه فعالیت‌ها نسبت به سایر جوامع روان‌تر است (Kwapisz, ۲۰۱۹, Ali et al, ۲۰۲۰ & Stenholm et al, ۲۰۱۳).

ساختار و عملکرد دولت: این محیط اگر مشتمل بر فساد و ناکارآمدی دولت گردد می‌تواند مانع کارآفرینی شود. برای مثال، این امکان وجود دارد که کارگزاران دولتی، با محدود کردن دسترسی به وجوه و مجوزهای دولتی، مشارکت در برخی از فعالیت‌های کارآفرینانه را محدود به دوستان و آشنایان خود کنند. همچنین، چنانچه ساختار دولت به‌ویژه اندازه بزرگ آن منجر به عدم تحرک فعالیت بخش خصوصی شود، می‌تواند مانع انجام فعالیت‌های کارآفرینانه شود (Veiga et al, ۲۰۰۸ & Irene, ۲۰۱۰, Hanteau et al, ۲۰۱۱).

(ب) موانع اقتصادی توسعه‌ی کارآفرینی

بر اساس دیدگاه شین (۲۰۰۳)، محیط اقتصادی، شامل زیر بخش‌های محیط اقتصاد کلان، محیط مالی، محیط جغرافیایی و ساختار تولید است. در ادامه تأثیر مختصر این محیط‌ها بر توسعه کارآفرینی توضیح داده می‌شود.

محیط اقتصاد کلان: آزادی اقتصادی، جهانی شدن، توسعه‌ی صادرات و واردات، تولید ناخالص داخلی، سیاست‌های مالی و پولی، درآمدهای نفتی در کشورهای صادرکننده نفت و ... می‌توانند منجر به توسعه‌ی کارآفرینی شده یا مانعی برای آن باشند. به عبارت دیگر، ثبات محیط اقتصاد کلان نقش کلیدی در

توسعه‌ی کارآفرینی داشته و بی‌ثباتی آن منجر به ایجاد فضایی مبهم برای کارآفرینان جهت تصمیم‌گیری برای آینده می‌شود (Vining and Kluijver, ۲۰۰۷, Herrera-Echeverri et al, ۲۰۱۴ & Majbouri, ۲۰۱۶).

محیط مالی: حمایت‌های مالی، تأمین مالی، انگیزه‌های مالی، امنیت مالی و ... می‌توانند منجر به توسعه‌ی کارآفرینی شده یا مانعی برای آن باشند. محیط مالی کارآفرینی را به دو شکل تحت تأثیر قرار می‌دهد. اول، از طریق هزینه‌ی تأمین سرمایه که تصمیمات سرمایه‌گذاری را به‌طور کلی تحت تأثیر قرار می‌دهد. دوم، از طریق ویژگی و نحوه‌ی تأمین مالی فرصت‌های کارآفرینانه (Alfaro and Charlton, ۲۰۰۶ & Tsai and Kuo, ۲۰۱۱). تأمین منابع مالی برای محصولات جدید با مسئله عدم تقارن اطلاعات و نا اطمینانی بیشتری نسبت به تولیدات محصولاتی که دارای تجربه‌ی تولیدی هستند روبرو است. عدم تقارن اطلاعات به تمایل کارآفرین در حفظ برخی اطلاعات سری درباره‌ی بهره‌برداری از فرصت برمی‌گردد؛ اما این امر امکان رفتار فرصت‌طلبانه علیه تأمین‌کنندگان سرمایه را ایجاد می‌کند و بنابراین سرمایه‌گذاران با احتیاط بیشتری وارد این نوع فعالیت‌ها می‌شوند.

محیط جغرافیایی: کارگزاران اقتصادی تمایل دارند که محل کار و زندگی آن‌ها در یک محدوده‌ی جغرافیایی و در کنار هم باشد و به همین دلیل محیط جغرافیایی و خوشه‌ها می‌توانند شکل‌گیری شرکت‌های جدید را متاثر سازند. همچنین محدود بودن محیط جغرافیایی از طریق ارتباطات مالکیت، روابط اجتماعی، شکل‌گیری انجمن‌های مشترک و رابطه بین شرکت‌های مختلف و نهادها در یک حوزه‌ی جغرافیایی، اقتصادهای با مقیاس مناسب‌تر را ایجاد می‌کند. این امر به کاهش هزینه‌های مبادله و خلق فرصت‌های جدید منجر می‌شود (Roja, ۲۰۱۵).

ساختار تولید: ساختار تولید و به ویژه فضای کسب و کار در یک صنعت و یا مقیاس تولید می‌تواند منجر به توسعه‌ی کارآفرینی شود. ساختار صنعت می‌تواند خلق شرکت‌های جدید را به‌عنوان نتیجه‌ی سودآوری مورد انتظار، شدت سرمایه، شدت تبلیغات، تمرکز و حداقل اندازه‌ی کارایی شرکت‌ها در صنعت تحت تأثیر قرار

دهد. همچنین، چرخه زندگی، وجود طراحی‌های برتر، یکپارچگی و تراکم شرکت‌ها، فرصت‌های کارآفرینانه در آن صنعت خاص را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Acs et al, ۲۰۱۸ Aidis, ۲۰۰۸).

۱-۲. نقش دولت در توسعه کارآفرینی

دولت از جهات مختلفی می‌تواند بر توسعه‌ی کارآفرینی مؤثر باشد. برای نمونه، برای اینکه انگیزه‌های کارآفرینی تقویت گردد و فرد جهت راه‌اندازی یک کسب‌وکار انگیزه‌ی بیشتری پیدا کند، دولت باید شرایطی را فراهم کند که تمامی این افراد بتوانند به‌صورت عادلانه و به‌آسانی به منابع دسترسی داشته باشند. همچنین دولت با بهره‌گیری از برنامه‌های آموزشی و کاربردی می‌تواند در جهت تقویت فعالیت کارآفرینانه اقدام نماید. در یک شرایط مطلوب، فعالیت‌های کارآفرینی زمانی اهمیت دارد که جامعه بتواند بر قوانین و سنن موجود فائق آمده و بدین ترتیب از سخت‌گیری‌های قوانین و مقررات تحکمی و دستوری بکاهد. این امر زمانی اتفاق می‌افتد که یک ارتباط منظم و قاعده‌مند بین کارآفرینان و فعالین سیاسی برقرار شود؛ زیرا تا زمانی که رویه‌های اداری از پیچیدگی‌های خاص خود برخوردار باشند، از انگیزه‌ی افراد جهت ورود به فعالیت‌های کارآفرینی تا حد بسیار زیادی کاسته می‌شود. (احمدپور داریانی، ۱۳۸۳). دولت از طریق معافیت و یا کاهش مالیاتی، پرداخت تسهیلات و دیگر برنامه‌های تنظیمی سعی در حمایت از فعالیت‌های کارآفرینی می‌نماید (Dana, ۱۹۸۲). همچنین اگر دولت در رویه‌های اداری، قوانین و مقررات حاکم بر فضای کارآفرینی تغییراتی در جهت آسان‌تر شدن ورود و خروج کارآفرینان به فعالیت‌های کارآفرینی انجام دهد تا حد بسیار زیادی به وظیفه‌ی هنجاری خود عمل نموده است. این در حالی است که تا افراد مهارت‌های لازم عمومی و اختصاصی کسب ننموده باشند نمی‌توانند دست به یک فعالیت موفق بزنند. از آنجایی که شروع فعالیت‌های کارآفرینی همواره با یک عدم اطمینان همراه است، دولت با آموزش و مشاوره می‌تواند تا حد بسیاری در جهت تقویت و توانایی افراد مؤثر باشد. دولت با استفاده از وظیفه‌ی شناختی که به عهده دارد سعی می‌کند محیط کارآفرینی که محیطی جدید

می‌باشد را جهت کارآفرینان به روشنی ترسیم نماید (Hawkins, ۱۹۹۳).

۲. مرور مطالعات

خاکسار و همکاران^۱ (۲۰۱۱) در پژوهشی، نقش سیاست‌های دولت و رشد کارآفرینی در بنگاه‌های کوچک و متوسط (SMEs) در هند را بررسی کرده‌اند. هدف این مقاله، ارزیابی خط‌مشی دولت درباره SMEs و عملکرد آن‌ها بوده است. این پژوهشگران به این نتیجه رسیده‌اند که باید سهم بنگاه‌های کوچک و متوسط در ایجاد اشتغال کشور افزایش یابد. چاکوامکا^۲ (۲۰۱۱) در پژوهشی به بررسی تأثیر سیاست‌های عمومی دولت بر کارآفرینی در نیجریه پرداخته است. بدین منظور، ایشان داده‌ها را با استفاده از پرسشنامه به صورت مصاحبه‌ی مستقیم، بحث گروهی متمرکز، مجلات، کتاب‌های درسی و سایر موارد جمع‌آوری کرده است. نتایج وی نشان داده است که دولت، سیاست‌های مالی را به نادرستی فرمول بندی و اجرا کرده است که باعث کند شدن روند توسعه کارآفرینی در نیجریه شده است. همچنین، بسیاری از سیاست‌های عمومی آن‌قدر پیچیده هستند که هزینه حل مشکل بیشتر از منافع آن بوده است. دوتا و سوئل و روی^۳ (۲۰۱۳) در مطالعه‌ی خود به بررسی اثر ریسک سیاسی بر شاخص کارآفرینی پرداخته‌اند. بدین منظور آن‌ها داده‌های ۹ کشور توسعه‌یافته و در حال توسعه طی دوره ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹ را به کار برده و از روش GMM استفاده کرده‌اند. نتایج مطالعه‌ی آن‌ها بیانگر آن است که کشورهای با ثبات سیاسی بیشتر دارای نرخ‌های بالاتر کارآفرینی و خلق ثروت برخوردار هستند. هاپکینز (۲۰۱۵) در مطالعه‌ی خود با استفاده از داده‌های مربوط به دولت فدرال کانادا به بررسی اثر نهادها و انگیزه‌های مالی دولت بر نوآوری و کارآفرینی پرداخته است. نتایج وی حاکی از آن است که انگیزه‌ها برای کارآفرینی و نوآوری مسئله مهمی است به طوری که سازمان‌های با انگیزه‌های بیشتر، انگیزه‌ی بالاتری برای نوآوری دارند. کرنوگاج و هجنیک (۲۰۱۶) با استفاده

۱. Khaksar

۲. Chukwuemeka

۳. Dutta, N., R. S. Sobel. and S. Roy

از داده‌های ۲۴ کشور با درآمد بالا طی دوره‌ی ۲۰۰۶-۲۰۱۰ به این نتیجه رسیده‌اند که آزادی اقتصادی دارای اثر مثبت بر توسعه‌ی کارآفرینی تولیدی است. همچنین نتایج آن‌ها نشان می‌دهد که تصمیم فردی برای کارآفرینی به‌طور قابل توجهی به هنجارهای فرهنگی و نرم‌های اجتماعی مرتبط است. مجبوری (۲۰۱۶) در مطالعه‌ی خود به بررسی اثر درآمدهای نفتی بر کارآفرینی با استفاده از رگرسیون پانل پویا پرداخته است. نتایج مطالعه‌ی وی بیانگر آن است که افزایش درآمدهای حاصل از منابع طبیعی، در کشورهای با نهادهای ضعیف و فاسد منجر به کاهش کارآفرینی شده و هر چه جامعه با فساد بیشتری روبرو باشد، شدت این کاهش بیشتر است. آکس و همکاران (۲۰۱۸) به بررسی رابطه‌ی بین رشد اقتصادی، عوامل تولید، نهادها و کارآفرینی پرداخته‌اند. آن‌ها این موضوع را بررسی کرده‌اند که آیا در تابع تولید مورد استفاده برای بررسی رشد اقتصادی، ارتباط کارآفرینی و نهادها و ترکیب آن‌ها در اکوسیستم اقتصادی، باید لحاظ شود یا خیر. یافته‌های آن‌ها حاکی از اهمیت نقش اکوسیستم کارآفرینی در رابطه‌ی عوامل تولید و رشد اقتصادی است. فونتلساز و همکاران^۱ (۲۰۱۸) نیز به بررسی اثر انواع نهادهای رسمی (حقوق مالکیت، آزادی کسب و کار، آزادی مالی، آزادی نیروی کار، سرمایه مالی و سرمایه آموزشی) بر کارآفرینی فرصت و ضرورت طی سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ در ۱۸۹ کشور منتخب توسعه‌یافته و در حال توسعه با استفاده از روش پانل نامتوازن پرداخته‌اند. یافته‌های مطالعه‌ی آن‌ها نشان می‌دهد که بهبود وضعیت نهادهای رسمی اثر مثبت بر توسعه‌ی کارآفرینی فرصت و اثر منفی بر کارآفرینی ضرورت دارد. بوسما و همکاران^۲ (۲۰۱۸) به بررسی نقش دولت بر کارآفرینی در کشورهای اروپایی پرداخته‌اند. برای این منظور از الگوی رشد تعمیم یافته و روش حداقل مربعات سه مرحله‌ای به بررسی و آزمون فرضیه‌ها پرداخته‌اند. نتایج مطالعه‌ی آن‌ها نشان می‌دهد که نهادها بر گسترش و ماهیت کارآفرینی تأثیر بسزایی دارند. همچنین، در خصوص نقش دولت در توسعه‌ی کارآفرینی، سه

۱. Fuentelsaz

۲. Bosma

نقش هنجاری، شناختی و تنظیمی برای دولت در نظر گرفته شده است. کواپیز^۱ (۲۰۱۹) به دنبال پاسخ به این سؤال بوده است که آیا موانع قانونی و دولتی واقعی سد راه کارآفرینی در آمریکا بوده است و یا خیر. در این راستا، از داده‌های کارآفرینی آمریکا (مشمول بر استارت آپ‌های نوپا در طول ۶ سال گذشته) و همچنین شاخص آزادی اقتصادی آمریکای شمالی استفاده کرده‌اند. نتایج مطالعه‌ی آن‌ها نشان داده است که تنها ۶ درصد از پاسخ دهندگان معتقدند که دولت مانع اصلی کارآفرینی می‌باشد و ۱ درصد از کارآفرینان مقررات را مانعی برای کارآفرینی تلقی می‌کنند. نتایج به طور کلی نشان می‌دهد که موانع دولتی و قانونی به طور معناداری به عنوان سد راه کارآفرینی محسوب نمی‌شوند.

چراتیان و قربانی (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای به تحلیل آثار سیاست‌های پولی و مالی بر کارآفرینی با تأکید بر بخش زنان پرداخته‌اند. بدین منظور با استفاده از الگوی‌های رشد اقتصادی و با استفاده از داده‌های پانلی طی دوره‌ی ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷، ارتباط بین متغیر کارآفرینی زنان با سایر متغیرهای کلان اقتصادی را مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج تحقیق بیانگر وجود رابطه‌ی مثبت و معنی‌دار بین متغیرهای سیاست‌های پولی و مالی با کارآفرینی است؛ به طوری که با اعمال افزایش یک درصدی سیاست مالی انبساطی، شاخص کارآفرینی زنان ۱/۵۲ درصد و با افزایش یک درصدی متغیرهای حجم پول و تولید ناخالص داخلی به ترتیب به اندازه‌ی ۰/۱۹۴۷ و ۰/۱۵۰۵ درصد افزایش یافته است. فتاحی و طباحیان (۱۳۹۵) نقش سیاست‌های دولت در بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینانه را مورد بررسی قرار داده‌اند. تحقیق آن‌ها دارای ماهیت مروری بوده و از بررسی، تحلیل و جمع‌بندی اسناد، متون و مبانی نظری مربوطه جهت ارائه‌ی چارچوب نظری استفاده شده است. یافته‌های آن‌ها حاکی از آن است که سیاست‌های دولت می‌تواند در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و یا آموزشی بر فرآیند بهره‌برداری فرصت‌های کارآفرینانه تأثیرگذار باشد. ایمانی و همکاران (۱۳۹۶) به شناسایی و اولویت‌بندی خط‌مشی‌های توسعه‌ی کارآفرینی در بخش

تعاون پرداخته‌اند. جامعه‌ی آماری این پژوهش مدیران اداری تعاون و اعضای هیأت علمی دانشکده‌ی مدیریت و اقتصاد دانشگاه سیستان و بلوچستان بوده‌اند که از طریق دو پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته، داده‌های مورد نیاز گردآوری شده است. نتایج تحقیق نشان داده است که خط‌مشی‌های حوزه‌ی بسترسازی با وزن ۰/۷۰ در رتبه‌ی نخست، حوزه‌ی هدایت و عملیاتی با وزن ۰/۲۰ در رتبه‌ی دوم و حوزه‌ی تثبیت و نهادینه‌سازی با وزن ۰/۰۸ در رتبه‌ی سوم قرار دارند. مهم‌ترین زیر معیارهای حوزه‌ی بسترسازی و نهادینه‌سازی، خط‌مشی‌های آموزش و مهارت با وزن‌های ۰/۷۳ و ۰/۶۹ و در حوزه‌ی عملیاتی، خط‌مشی‌های حوزه‌ی انگیزش با وزن ۰/۸۰ است. از این‌رو به خط‌مشی‌گذاران توصیه شده است که بیشترین توجه آن‌ها به بسترسازی معطوف شود. کردحیدری و همکاران (۱۳۹۸) به بررسی عوامل مؤثر بر توسعه‌ی کسب‌وکارهای فناورانه‌ی نوپا در اکوسیستم کارآفرینی پرداخته‌اند. در فرآیند تحقیق، ابتدا با روش فراترکیب، ابعاد و مؤلفه‌های محتمل اکوسیستم شناسایی و سپس با بهره‌گیری از نظر خبرگان، نتایج حاصل از این روش مورد راستی‌آزمایی قرار گرفته است. بر این اساس ۱۲ مؤلفه‌ی سیاست‌گذاران، مؤسسه‌های آموزش عالی و دانشگاه‌ها، حمایت‌گران، عوامل سازمانی، انکوباتورها، شتاب‌دهندگان، نهادها، بازیگران و ذی‌نفعان، سرمایه‌گذاران، بازارها، فرهنگ، اجتماع و عوامل فردی با در برداشتن ۳۶ مفهوم که در ۳ بُعد خرد، میانی و کلان قرار دارند شناسایی شده است. شیراوند و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه‌ی تأثیر حاکمیت قانون و کنترل فساد (عوامل نهادی) و همچنین ترس از شکست و درک قابلیت کارآفرینانه (عوامل نهادی غیررسمی) بر کارآفرینی و نتیجه‌ی این تأثیر بر رشد اقتصادی کشورهای در حال توسعه‌ی منطقه منا، طی دوره زمانی (۲۰۱۵-۲۰۰۸) را مورد بررسی قرار داده‌اند. با استفاده از داده‌های پانلی و روش حداقل مربعات سه مرحله‌ای این نتایج به‌دست آمده است که حاکمیت قانون و کنترل فساد تأثیر مثبت و معنادار و ترس از شکست، رابطه منفی و معنادار بر کارآفرینی داشته‌اند. همچنین درک قابلیت کارآفرینانه تأثیر مثبت و معنادار بر کارآفرینی نداشته و در نهایت کارآفرینی بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت

داشته است.

به طور کلی، مطالعات مختلف می‌توان به سه گروه اصلی عوامل نهادی مؤثر بر کارآفرینی، عوامل اقتصادی مؤثر بر کارآفرینی و نقش دولت در توسعه کارآفرینی دسته‌بندی کرد. همچنین، مطالعات مرتبط با عوامل نهادی مؤثر بر کارآفرینی را می‌توان به پنج گروه ۱. محیط سیاسی، ۲. محیط علمی-آموزشی، ۳. محیط فرهنگی، ۴. محیط قانونی و حقوقی و ۵. ساختار و عملکرد دولت؛ و مطالعات مرتبط با عوامل اقتصادی مؤثر بر کارآفرینی را به چهار گروه ۱. محیط اقتصاد کلان، ۲. محیط مالی، ۳. محیط جغرافیایی و ۴. ساختار تولید دسته‌بندی کرد. (جدول ۱).

جدول ۱. اهم مطالعات صورت گرفته در زمینه توسعه کارآفرینی به تفکیک عوامل اقتصادی، عوامل نهادی و

نقش دولت

عوامل کلی	عوامل فرعی	محققین
عوامل نهادی	محیط سیاسی	سویل (۲۰۰۸)، دوتا و همکاران (۲۰۱۳)، صمدی (۲۰۱۸)، زبیری (۱۳۹۶) و انتظاری (۱۳۹۷)
	محیط علمی-آموزشی	ترجسن و هسلز (۲۰۰۹)، فوتلساز و همکاران (۲۰۱۸)، بودریکس و همکاران (۲۰۱۹)، یعقوبی فرانی و همکاران (۱۳۹۲) و کردحیدری و همکاران (۱۳۹۸)
	محیط فرهنگی	سورش و رامراج (۲۰۱۲)، ولچک و همکاران (۲۰۱۵)، اشپیگل (۲۰۱۷)، مرادی و همکاران (۱۳۹۶) و هندیجانی فرد و حجازی (۱۳۹۷)
	محیط قانونی و حقوقی	جنورجلیس و وال ^۱ (۲۰۰۲)، هال و سویل (۲۰۰۶)، درهر و گاسبنر ^۲ (۲۰۰۷)، استنهلیم و همکاران (۲۰۱۳)، علی و همکاران (۲۰۱۹)، کواپیز (۲۰۱۹)، صمدی و میرهاشمی (۱۳۹۶) و شیراوند و همکاران (۱۳۹۸)
عوامل اقتصادی	ساختار و عملکرد دولت	در مطالعات پالفیکا ^۳ (۲۰۰۶)، ویگا و همکاران (۲۰۰۸)، ایرن (۲۰۱۰)، هانتی و همکاران (۲۰۱۱)، محمدزاده و همکاران (۱۳۹۵) و محمدی خیاره (۱۳۹۷)
	محیط اقتصاد کلان	وینینگ و کلوجور (۲۰۰۷)، هررا-اچوری و همکاران (۲۰۱۴)، آپاریشو و همکاران ^۴ (۲۰۱۵)، کرونوگاج و هجنیک (۲۰۱۶)، مجبوری (۲۰۱۶)، طیبی و فخری (۱۳۸۹)، دیوسالار و بزرگی (۱۳۹۱)، کاظمی ترقبان و مبارکی (۱۳۹۱)، چراتیان و قربانی (۱۳۹۳) و مودتی و همکاران (۱۳۹۷)
	محیط مالی	آلفارو و چارلتن (۲۰۰۶)، تی‌سای و کو (۲۰۱۱)، هاپکینز (۲۰۱۵)، آراستی و همکاران (۱۳۹۲)، یادگار و همکاران (۱۳۹۳) و داوری و همکاران (۱۳۹۶)
	محیط جغرافیایی	روژا (۲۰۱۵)، غلامی و قلی‌فر (۱۳۹۶)، فلاح حقیقی و همکاران (۱۳۹۶) و حسینی گل افشانی و صمدزاده (۱۳۹۷)

۱. Georgellis and Wall
۲. Dreher and Gassebner
۳. Palifka
۴. Aparicio

آیدیس و همکاران (۲۰۰۸)، آکس و همکاران (۲۰۱۸)، عیسی‌زاده و جهانبخش (۱۳۹۱)، عقیلی و همکاران (۱۳۹۱) و مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۴)	ساختار تولید	
طیبی و همکاران (۲۰۰۹)، خاکسار و همکاران (۲۰۱۱)، چاکوامکا ^۱ (۲۰۱۱)، اوباجی و الگو ^۲ (۲۰۱۴)، گوپتا و همکاران ^۳ (۲۰۱۵)، بوسما و همکاران (۲۰۱۸)، کوابیز (۲۰۱۹)، داوری و رضایی (۱۳۸۵)، دانایی فرد (۱۳۸۶)، فتاحی و طبایخان (۱۳۹۵)، ایمانی و همکاران (۱۳۹۶) و مرادزاده و همکاران (۱۳۹۷)	نقش دولت	دولت

مأخذ: یافته‌های تحقیق

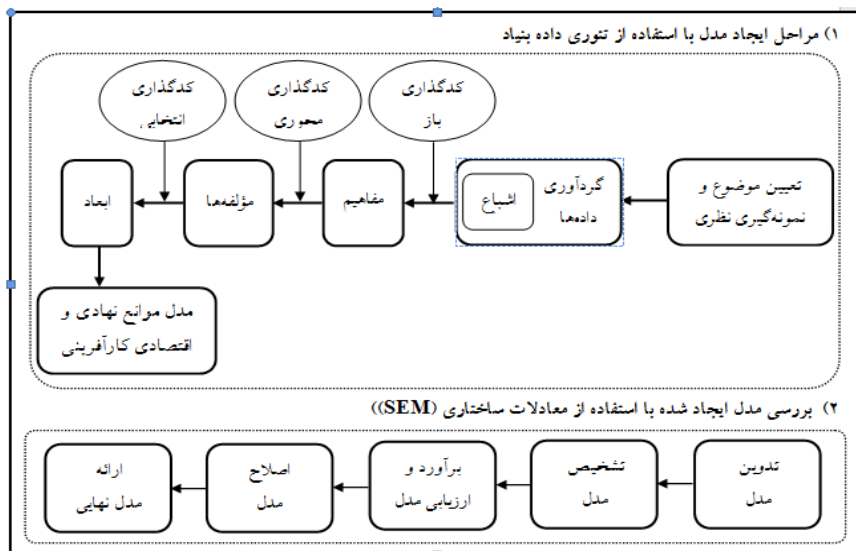
با مرور مطالعات خارجی و داخلی صورت گرفته در رابطه با کارآفرینی و عوامل مؤثر بر آن و براساس اطلاعات نویسندگان، مطالعه‌ی جامعی که به صورت همزمان اثر عوامل نهادی، اقتصادی و همچنین نقش دولت بر آن‌ها را مورد بررسی قرار داده باشند مشاهده نشد؛ بنابراین بررسی تأثیر همزمان این متغیر بر توسعه کارآفرینی، از دستاوردهای این مقاله محسوب می‌شود.

۳. روش‌شناسی پژوهش

برای رسیدن به هدف مطالعه‌ی حاضر، روش کار در دو مرحله پشت دنبال شده است. در مرحله نخست با استفاده از نظریه زمینه‌ای (GT)^۴ به بررسی روابط بین متغیرها پرداخته شده است. سپس در مرحله‌ی دوم از الگوی معادلات ساختاری (SEM)^۵ استفاده شده و به روش حداقل مربعات جزئی (PLS-SEM)^۶ تخمین زده شده است (شکل ۱).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. Chukwuemeka
۲. Obaji and Ologu
۳. Gupta
۴. Grounded Theory
۵. Structural equation modeling
۶. Partial Least Squares



شکل ۱. مراحل انجام روش مطالعه‌ی حاضر

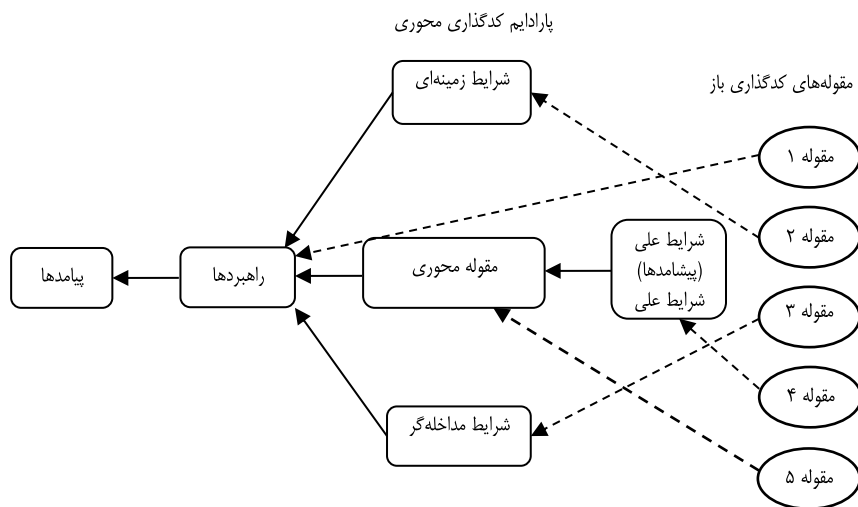
مأخذ: استراوس و کوربین (۱۹۹۸)

الف) نظریه زمینه‌ای یا داده بنیاد (GT)

نظریه زمینه‌ای یک شیوه پژوهش کیفی است که به وسیله آن با استفاده از یک دسته داده، نظریه‌ای تکوین می‌یابد؛ به عبارت دیگر، نظریه‌ی داده بنیاد فرآیند ساخت یک نظریه‌ی مستند و مدون از طریق گردآوری سازمان یافته‌ی داده‌ها و تحلیل استقرایی مجموعه داده‌های گردآوری شده است (استراوس و کوربین، ۱۹۹۸). در این روش، کشف یا تولید نظریه بر مبنای حقایق و واقعیات موجود و از طریق جمع‌آوری نظام‌مند داده‌ها و با مدنظر قرار دادن کلیه‌ی جوانب بالقوه‌ی مرتبط با موضوع تحقیق صورت می‌گیرد. داده‌های جمع‌آوری شده مراحل مختلفی را در سیر تکاملی خود تا رسیدن به نظریه طی می‌کنند. روش نظریه‌ی داده بنیاد معمولاً به سه شیوه‌ی سیستماتیک، شیوه‌ی نوحاسته و شیوه‌ی سازگارا اجرا می‌شود. در مقاله حاضر، برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش سیستماتیک - که به استراوس و کوربین (۱۹۹۸) نسبت داده می‌شود- استفاده شده است. روش سیستماتیک خود دارای سه مرحله‌ی اصلی کدگذاری باز، کدگذاری محوری و

کدگذاری انتخابی است. در کدگذاری باز ابتدا کدهای مناسب به بخش‌های مختلف داده‌ها اختصاص و سپس این کدها در قالب مفهوم تعیین می‌شوند. پژوهشگر با اندیشیدن در مورد ابعاد متفاوت مقوله‌ها^(۱) و یافتن پیوند میان آن‌ها به کدگذاری محوری اقدام می‌کند. در جریان این کدگذاری‌ها، پژوهشگر با استفاده از نمونه‌گیری نظری و با توجه به مفاهیم پدیدار شده از دل داده‌ها، به گردآوری داده‌ها در مورد افراد، رخدادهای و موقعیت‌های مختلف می‌پردازد که تصویر غنی‌تری از مفاهیم و مقوله‌های حاصل فراهم خواهند شد. سرانجام، با کدگذاری انتخابی، مقوله‌ها پالایش شده و با طی این فرآیند چارچوب نظری پدیدار می‌شود (مهرابی و همکاران، ۱۳۹۰). در شکل ۲ الگوی مفهومی روش زمینه‌ای مشتمل بر شرایط علی (پیشامدها)، شرایط مداخله‌گر، زمینه‌ها (بستر)، راهبردها و پیامدها نشان داده شده است.

در مقاله حاضر، داده‌ها از طریق بررسی جامع مطالعات پیشین داخلی و خارجی مرتبط با کارآفرینی و مصاحبه‌ی چهره به چهره با خبرگان حوزه کارآفرینی گردآوری شده است. جمع‌آوری داده‌ها نیز تا مرحله‌ی اشباع نظری مقوله‌ها تا جایی که امکان دستیابی به داده‌های جدید دیگری فراهم نبود، ادامه یافته است. پس از بررسی جامع مطالعات پیشین داخلی و خارجی مرتبط با کارآفرینی و اتمام مصاحبه‌ها، فرایند کدگذاری باز آغاز شد. کدهای مصاحبه‌های انجام شده طی کدگذاری باز استخراج و در مرحله‌ی بعد، کدهای مشترک به انضمام کدهای با اهمیت به‌عنوان کدهای نهایی مشخص شده‌اند. برای طبقه‌بندی دقیق مفاهیم بین مقوله‌های هر مفهوم، بعد از تفکیک برجسته‌شده و داده‌های خام به وسیله‌ی بررسی دقیق مطالعات پیشین داخلی و خارجی در دسترس مرتبط با کارآفرینی، متن مصاحبه‌ها و یادداشت‌های زمینه‌ای مفهوم‌سازی شده‌اند.



شکل ۲. الگوی نظریه زمینه‌ای جهت بررسی روابط بین متغیرها

ماخذ: استراوس و کوربین (۱۹۹۸)

در کدگذاری محوری، مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها با توجه به ابعاد و مشخصات با یکدیگر مرتبط می‌شوند. برای کشف نحوه‌ی ارتباط مقوله‌ها با یکدیگر از ابزار تحلیلی استراوس و کوربین (۱۹۹۸) استفاده شده است. ابزار اصلی این ابزار تحلیلی شامل شرایط علی، مقوله‌ی محوری، شرایط زمینهای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها می‌باشد. شرایط علی رویدادهایی هستند که موقعیت‌ها و مسائل مرتبط با موانع توسعه‌ی کارآفرینی در ایران را خلق کرده و تشریح می‌کنند. این شرایط علی شامل مواردی از مقولات است که به طور مستقیم بر موانع توسعه‌ی کارآفرینی در ایران تأثیر می‌گذارد یا این عوامل به گونه‌ای ایجادکننده موانع توسعه کارآفرینی در ایران هستند. شرایط زمینهای بیانگر مجموعه‌ی خاصی از ویژگی‌های مربوط به موانع توسعه‌ی کارآفرینی در ایران است که به شکل عمومی به مکان رویدادها و وقایع مربوطه اشاره دارد. ویژگی‌های زمینهای شامل عواملی می‌شوند که بدون آن‌ها تحقق اهداف توسعه‌ی کارآفرینی در ایران امکان‌پذیر نیست و زمینه‌ی شرایط خاصی را که در آن راهبردها برای اداره، کنترل و پاسخ به پدیده صورت می‌گیرد، فراهم می‌کنند. این شرایط را مجموعه‌ای از مفاهیم، مقوله‌ها و متغیرهای زمینهای

تشکیل می‌دهند. شرایط مداخله‌گر شامل شرایط عام‌تری همچون زمان، فضا و فرهنگ می‌شود که به عنوان تسهیل‌گر یا محدودکننده‌ی راهبردهای توسعه کارآفرینی در ایران عمل می‌کنند. این شرایط در راستای تسهیل یا محدودیت‌کنشی/کنشی متقابل در زمینه‌ی خاصی عمل می‌کنند. هر یک از این شرایط، طیفی را تشکیل می‌دهند که تأثیر آن‌ها از بسیار کم تا بسیار زیاد، متغیر است. پیامدها همان برون‌دادها یا نتایج کنش‌ها و واکنش‌ها می‌باشند. بخش آخر الگوی مورد استفاده شامل پیامدهای مشهود و نامشهودی می‌شود که به جامعه مرتبط است. با توجه به کدگذاری باز، مفاهیم مربوط به پیامدهای الگو استخراج شده‌اند، سپس با توجه به حرکت رفت و برگشت میان مقوله‌ها و مفاهیم، مقوله‌های اصلی استخراج و نام‌گذاری گردیده‌اند. کدگذاری انتخابی، نتایج مراحل پیشین کدگذاری را به‌کار برده، مقوله‌های اصلی را انتخاب و آن را به شکل نظام‌مند به سایر مقوله‌ها ارتباط می‌دهد، ارتباطات را اعتبار می‌بخشد و مقوله‌هایی را که نیاز به بست و توسعه بیشتری دارند را توسعه می‌دهد. با انجام مراحل مذکور، در نهایت، الگوی پارادایمی موانع نهادی و اقتصادی توسعه‌ی کارآفرینی و نقش دولت در تعدیل آن‌ها شکل می‌گیرد.

ب) الگوی معادلات ساختاری

الگوی معادلات ساختاری (SEM) یک تکنیک تحلیل چند متغیری از خانواده‌ی رگرسیون چند متغیری و به بیان دقیق‌تر بسط الگوی عمومی خطی^۱ است که به محققان امکان می‌دهد مجموعه‌ای از معادلات رگرسیون را به طور هم‌زمان مورد آزمون قرار دهند.

مهم‌ترین نقاط قوت الگوی معادلات ساختاری (SEM) این است که با این روش می‌توان اثر متغیرهای پنهان^(۳) را بر یکدیگر و بر متغیرهای مشاهده شده ارزیابی کرد و البته امکان بررسی روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته را نیز فراهم می‌آورد. فرض کنید γ متغیر مستقل و η متغیر وابسته باشد و هر یک از این متغیرها دارای متغیرهای مشاهده شده‌ی خاص خود باشند. ارتباط بین آن‌ها به صورت رابطه شماره ۱ نشان داده می‌شود:

۱. General linear model

رابطه (۱)

$$X: x = \Lambda_x \xi + \delta$$

$$Y: y = \Lambda_y \eta + \varepsilon$$

همچنین معادله‌ی ساختاری به صورت رابطه شماره ۲ خواهد بود:

رابطه (۲)

$$\xi, \eta: B\eta = \Gamma\xi + \zeta$$

در رابطه ۱، متغیرهای ξ و η (پنهان) زمینه‌ساز متغیرهای X و Y بوده و وزن‌های عاملی Λ_x و Λ_y بیانگر این است که متغیرهای پنهان تا چه اندازه زمینه‌ساز متغیرهای X و Y می‌باشند. رابطه‌ی دوم نیز چگونگی ارتباط بین متغیر مستقل و وابسته را توصیف می‌کند. در آخر معادله‌ی ساختاری برای بیان رابطه بین متغیر وابسته و مستقل به صورت رابطه‌ی شماره ۳ نوشته شده است:

رابطه (۳)

$$\eta = \Gamma\xi + \zeta$$

که در آن Γ ماتریس ضریب یا ماتریس وزن اثر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته و ζ ماتریس عناصر اختلال یا خطاها در معادله‌ی ساختاری می‌باشد. با حل این معادلات، مقادیر پارامترهای الگو به دست آمده و سپس نسبت به محاسبه و بررسی آزمون‌های خوبی برازش جهت انتخاب بهترین الگو اقدام می‌گردد.

الگوسازی معادلات ساختاری را می‌توان در دو گروه روش‌های کوواریانس محور (نسل اول) و مؤلفه محور (نسل دوم) جای داد. روش‌های کوواریانس محور یکی از اصلی‌ترین روش‌های تجزیه و تحلیل ساختار داده‌های پیچیده و یکی از روش‌های جدید برای بررسی روابط علت و معلولی بوده و به معنی تجزیه و تحلیل متغیرهای مختلفی است که در یک ساختار مبتنی بر نظریه، تأثیرات همزمان متغیرها را به هم نشان می‌دهند. به وسیله‌ی این روش می‌توان صحت الگوی‌های نظری را در جامعه‌های مختلف با استفاده از داده‌های همبستگی، غیر آزمایشی و آزمایشی مورد آزمون قرار داد. روش‌های کوواریانس محور را می‌توان ترکیبی از تحلیل عاملی و تحلیل رگرسیون چند متغیری تلقی نمود.

هدف اصلی نسل اول الگوسازی این معادلات تأیید الگوها بوده که برای کار به نمونه‌هایی با حجم بالا نیاز دارند. چند سال پس از معرفی روش کوواریانس

محور، به دلیل نقاط ضعف متعدد این روش، نسل دوم روش‌های معادلات ساختاری که مؤلفه محور بودند، معرفی شدند. روش‌های مؤلفه محور که به روش حداقل مربعات جزئی (PLS)^۱ شهرت یافتند، برای تحلیل داده‌ها از روش‌های متفاوتی نسبت به نسل اول استفاده کردند. محققین دلایل متعددی را برای استفاده از روش PLS ذکر نموده‌اند. مهم‌ترین دلیل، مزیت این روش در استفاده از نمونه‌های کوچک و داده‌های غیر نرمال بوده که محققین در برخی مطالعات با آن روبه‌رو هستند. مزیت مهم دیگر که محققین به آن اشاره می‌کنند، امکان استفاده از الگوی‌های اندازه‌گیری با یک سؤال (شاخص) است. این روش به محقق این امکان را می‌دهد که بتواند در الگوی مطالعاتی خود از الگوهای اندازه‌گیری با یک سؤال استفاده کند. لذا در این مطالعه جهت اعتباریابی الگوی موانع نهادی و اقتصادی توسعه‌ی کارآفرینی در ایران و نقش دولت در تعدیل آن‌ها از روش مذکور استفاده شده است.

۴. نتایج تجربی

در مقاله حاضر، متغیرها و داده‌ها از طریق بررسی مطالعات پیشین مرتبط با کارآفرینی و مصاحبه‌ی چهره به چهره با خبرگان حوزه‌ی کارآفرینی وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی گردآوری شده است. در این راستا افراد خبره به روش گلوله برفی^۲ (ارجاع زنجیره‌ای) انتخاب شدند. با توجه به ویژگی‌های جامعه‌ی آماری، شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی ساده برگزیده شده و حجم نمونه‌ی مورد نیاز جهت توزیع پرسشنامه‌ها، با استفاده از روش نمونه‌گیری غیر تصادفی و فرمول کوکران تعیین شد. در ادامه نتایج ارائه می‌شود.

۴-۱. نتایج کدگذاری باز

پس از بررسی کلیه مطالعات پیشین مرتبط با کارآفرینی و اتمام مصاحبه‌ها، فرایند کدگذاری باز آغاز شد. کدهای مصاحبه‌های انجام شده طی کدگذاری باز استخراج

۱. Partial Least Squares

۲. Snow Ball

شد و در مرحله بعد، کدهای مشترک به انضمام کدهای بااهمیت به‌عنوان کدهای نهایی مشخص شدند. برای طبقه‌بندی دقیق مفاهیم بین مقوله‌های هر مفهوم، بعد از تفکیک برچسب خورده و داده‌های خام به‌وسیله بررسی دقیق کلیدی مطالعات پیشین، متن مصاحبه‌ها و یادداشت‌های زمینه‌ای مفهوم‌سازی شدند. نتایج کدگذاری باز نشان داد که ۲۷ مفهوم اصلی با عناوین شرایط علی، ویژگی کارآفرینان، نقش دولت و پیامدهای کارآفرینی می‌توان شناسایی کرد (شکل ۳).

۴-۲. نتایج کدگذاری محوری

• شرایط علی

در این مطالعه ۱۰ مفهوم اصلی محیط سیاسی، محیط فرهنگی، محیط حقوقی، محیط آموزشی، محیط فناوری، ساختار دولت، محیط اقتصاد کلان، محیط مالی، محیط جغرافیایی (زیرساختار و خوشه‌ها) و ساختار تولید، شرایط علی شناخته شدند و با برچسب دو مقوله‌ی موانع نهادی و عوامل اقتصادی می‌توانند مانع توسعه‌ی کارآفرینی در ایران باشند. مقوله‌های مربوط به شرایط علی موانع کارآفرینی در ایران در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. شرایط علی موانع توسعه کارآفرینی در ایران

مفهوم اصلی	مقوله‌ی فرعی	مقوله‌ی کلی
محیط سیاسی - محیط فرهنگی محیط حقوقی - محیط آموزشی محیط فناوری - ساختار دولت	موانع نهادی	شرایط علی موانع توسعه‌ی کارآفرینی در ایران
محیط اقتصاد کلان - محیط مالی محیط جغرافیایی - ساختار تولید	موانع اقتصادی	

مأخذ: یافته‌های تحقیق

• شرایط زمینه‌ای

هفت مفهوم کارآمدی، فرصت‌طلبی، خلاقیت، ریسک‌پذیری، نیاز به موفقیت، تمایل به استقلال و قدرت‌طلبی کارآفرینان با مقوله‌ی ویژگی‌های کارآفرینان شرایط زمینه‌ای عدم توسعه‌ی کارآفرینی شناخته شدند که در جدول ۳ آمده است.

جدول ۳. شرایط زمینه‌ای موانع توسعه کارآفرینی در ایران

مقوله‌ی کلی	مقوله‌ی فرعی	مفاهیم اصلی
شرایط زمینه‌ای موانع توسعه کارآفرینی در ایران	ویژگی‌های کارآفرینان	کارآمدی - فرصت‌طلبی خلاقیات - ریسک‌پذیری نیاز به موفقیت - تمایل به استقلال قدرت‌طلبی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

• شرایط مداخله‌گر

در این مطالعه هفت مفهوم اصلی ایجاد بستر قانونی، ترسیم خط‌مشی‌های ویژه، توسعه‌ی زیرساخت‌ها، فرهنگ‌سازی، ارائه‌ی خدمات ویژه، ارتباط با صنعت و کمک‌های مالی، با عنوان مقوله‌ی نقش دولت و شرایط مداخله‌گر توسعه یا عدم توسعه‌ی کارآفرینی در ایران شناخته شدند که در جدول ۴ آورده شده‌اند.

جدول ۴. شرایط مداخله‌گر موانع توسعه کارآفرینی در ایران

مقوله‌ی کلی	مقوله‌ی فرعی	مفاهیم اصلی
شرایط مداخله‌گر موانع توسعه‌ی کارآفرینی در ایران	نقش دولت	ایجاد بستر قانونی - ترسیم خط‌مشی‌های ویژه توسعه زیرساخت‌ها - فرهنگ‌سازی ارائه خدمات ویژه - ارتباط با صنعت کمک‌های مالی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

• پیامدها

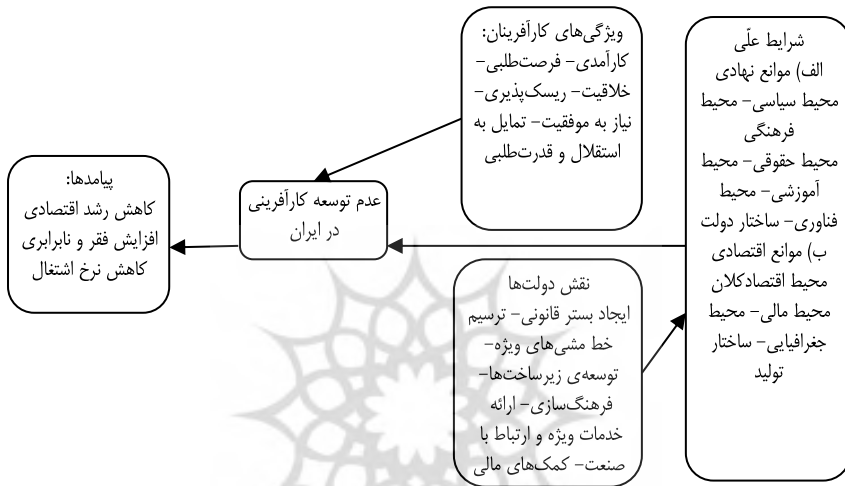
در این پژوهش سه متغیر کاهش رشد اقتصادی، افزایش فقر و نابرابری درآمدی و کاهش نرخ اشتغال، پیامدهای عدم توسعه‌ی کارآفرینی در ایران شناخته شدند که در جدول ۵ آورده شده است.

جدول ۵. پیامدهای موانع توسعه کارآفرینی در ایران

مقوله‌ی کلی	مقوله‌ی فرعی	مفاهیم اصلی
پیامدهای موانع توسعه کارآفرینی در ایران	پیامدها	کاهش رشد اقتصادی افزایش فقر و نابرابری درآمدی کاهش نرخ اشتغال

مأخذ: یافته‌های تحقیق

کدگذاری انتخابی نتایج مراحل پیشین کدگذاری را به کار گرفته و مقوله‌های اصلی را انتخاب کرده و آن را به شکل نظام‌مند به سایر مقوله‌ها ارتباط می‌دهد و سپس مقوله‌هایی را که نیاز به بست و گسترش بیشتری دارند را توسعه می‌دهد. در نهایت، الگوی پارادایمی موانع نهادی و اقتصادی توسعه کارآفرینی را می‌توان به شرح شکل ۳ نشان داد.

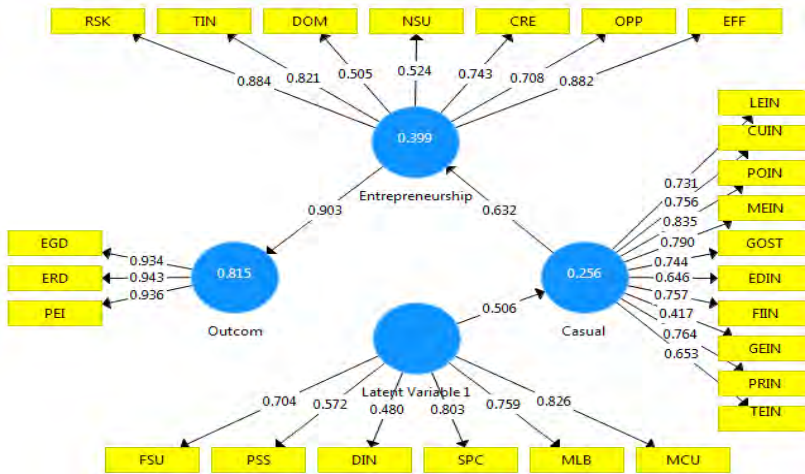


شکل ۳: الگوی پارادایمی موانع نهادی و اقتصادی توسعه کارآفرینی

ماخذ: یافته‌های تحقیق

۴-۴. برآورد الگو

شکل ۴ نتایج برآورد الگوی معادلات ساختاری^(۳) با روش حداقل مربعات جزئی (PLS) را نشان می‌دهد. توضیحات الگو در جدول شماره ۸ آورده شده است. نتایج آمار ضریب تعیین (R^2) الگوهای درونی برابر با ۸۷ درصد و الگوهای بیرونی ۸۹ درصد است که نشان دهنده خوبی برازش الگو است. همچنین بررسی ضرایب مسیر نیز بیانگر آن است که ضرایب هر سه مسیر در سطح اطمینان ۹۹ درصد معتبر می‌باشند.



شکل ۴. نتایج برآورد الگوی معادلات ساختاری به روش PLS

مأخذ: یافته‌های تحقیق

در جدول ۸ (مطابق شکل ۴)، تأثیر متغیرهای آشکار بر متغیرهای پنهان ارائه شده است. با توجه به جدول مشخص است که ۲۶ بعد مربوط به مؤلفه‌های الگوی نظریه زمینه‌ای بررسی شده حداقل در سطح ۹۵ درصد معنادار می‌باشند و تنها مؤلفه‌ی ارتباط با صنعت در بین مؤلفه‌های فوق معنادار نمی‌باشد^(۴). با توجه به نتایج همچنین مشخص است که محیط سیاسی مؤثرترین و محیط آموزشی کم‌اثرترین عامل نهادی اثرگذار بر فعالیت‌های کارآفرینانه در ایران است. همچنین در بین عوامل اقتصادی، محیط اقتصادکلان و محیط جغرافیایی به ترتیب اثرگذارترین و کم‌اثرترین عوامل مؤثر اقتصادی هستند. در بین ویژگی‌های کارآفرینان نیز به ترتیب ریسک‌پذیری و کارآمدی دارای بیشترین اهمیت هستند و قدرت‌طلبی و نیاز به موفقیت کمترین میزان اهمیت را به خود اختصاص داده‌اند. در میان نقش‌های دولت نیز فرهنگ‌سازی و توسعه‌ی زیرساخت‌ها به ترتیب دارای بیشترین و کمترین اهمیت می‌باشند. نکته‌ی قابل توجه این است که در بین پیامدها اهمیت ضرایب تقریباً یکسان است؛ اما کاهش نرخ اشتغال به میزان یک درصد بیشتر از دو پیامد دیگر است.

جدول ۶. ضرایب متغیرهای الگوی بررسی شده با استفاده از روش معادلات ساختاری (PLS)

متغیرهای پنهان	متغیرهای آشکار	نماد	بار عاملی	آماره t
عوامل نهادی	محیط سیاسی	POIN	۰/۸۳	۲۷/۰۶*
	محیط فرهنگی	CUIN	۰/۷۵	۱۱
	محیط حقوقی	LEIN	۰/۷۳	۱۰/۶۲
	محیط آموزشی	EDIN	۰/۶۴	۸/۸۷
	محیط فناوری	TEIN	۰/۶۵	۹/۷۰
	ساختار دولت	GOST	۰/۷۴	۱۰/۵۰
عوامل اقتصادی	محیط اقتصاد کلان	MEIN	۰/۷۹	۱۵/۹۹
	محیط مالی	FIIN	۰/۷۵	۱۳/۵۹
	محیط جغرافیایی	GEIN	۰/۴۱	۴
	ساختار تولید	PRIN	۰/۷۶	۱۱/۳۹
ویژگی‌های کارآفرینان	کارآمدی	EFF	۰/۸۸	۵۰/۲۰
	فرصت‌طلبی	OPP	۰/۷۰	۹/۰۱
	خلاقیت	CRE	۰/۷۴	۹/۰۸
	ریسک‌پذیری	RSK	۰/۸۸	۵۶/۴۲
	نیاز به موفقیت	NSU	۰/۵۲	۳/۹۸
	تمایل به استقلال	TIN	۰/۸۲	۱۹/۱۹
	قدرت‌طلبی	DOM	۰/۵۰	۳/۷۸
نقش دولت	ایجاد بستر قانونی	MLB	۰/۷۵	۱۷/۷۱
	ترسیم خط‌مشی‌های ویژه	SPC	۰/۸۰	۱۲/۷۵
	توسعه زیرساخت‌ها	DIN	۰/۴۸	۵/۲۰
	فرهنگ‌سازی	MCU	۰/۸۲	۴۷/۱۶
	ارائه خدمات ویژه	PSS	۰/۵۷	۴/۰۱
	ارتباط با صنعت	RIN	---	---
	کمک‌های مالی	FSU	۰/۷۰	۶/۳۳
عدم توسعه کارآفرینی	کاهش رشد اقتصادی	EGD	۰/۹۳	۴۲/۹۴
	افزایش فقر و نابرابری	PEI	۰/۹۳	۲۶/۷۲
	کاهش نرخ اشتغال	ERD	۰/۹۴	۴۷/۸۸

* مقادیر بالای ۱/۹۶ در سطح ۹۵ درصد معنادار می‌باشند.

مأخذ: یافته‌های تحقیق

همچنین در جدول ۷ و بر اساس شکل ۴، تأثیر متغیرهای پنهان الگوی بررسی شده بر یکدیگر، ارائه شده است.

جدول ۷. نتایج برآورد ضرایب متغیرهای مسیر در الگوی معادلات ساختاری

مسیر	نماد	بار عاملی	آماره t
تأثیر شرایط علی (موانع نهادی و اقتصادی) بر عدم توسعه کارآفرینی در ایران	Causal conditions → Entrepreneur	۰/۶۳	۳/۴۲*
تأثیر نقش دولت بر توسعه کارآفرینی در ایران	Government Role → Causal conditions	۰/۵۰	۱۴/۵۸
تأثیر توسعه کارآفرینی در ایران بر پیامدها	Entrepreneur → Outcomes	۰/۹۰	۸۴/۱۹

* معنادار در سطح ۵٪

مأخذ: یافته‌های تحقیق

یافته‌های جدول ۷ نشان می‌دهد که تمامی متغیرهای پنهان الگوی بررسی شده از تأثیر معناداری (در سطح ۹۵٪) بر یکدیگر برخوردار می‌باشند. همچنین، دولت از نقش تعدیل‌گر معناداری بین شرایط علی (موانع نهادی و اقتصادی) و عدم توسعه کارآفرینی در ایران برخوردار بوده (در سطح ۹۵٪) و اثر مثبت شرایط علی (موانع نهادی و اقتصادی) بر عدم توسعه کارآفرینی در ایران را افزایش می‌دهد (به تعبیر دیگر منجر می‌شود که اثر منفی موانع نهادی و اقتصادی بر توسعه کارآفرینی افزایش یابد). این یافته بدین معنی است که دولت نه تنها در تسهیل توسعه کارآفرینی نقش مناسبی نتوانسته ایفا بکند، بلکه خود مانعی بر راه توسعه کارآفرینی بوده است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مطالعه حاضر به دنبال پاسخ‌دهی به این سؤال کلیدی صورت گرفته است که چرا با توجه به جایگاه علمی ایران و وفور منابع طبیعی و ارزان، نیروی‌های تحصیل‌کرده‌ی مستعد و توانا، از جایگاه مناسبی از حیث کارآفرینی در بین سایر کشورهای جهان برخوردار نیست. برای این منظور، تأثیر عوامل اقتصادی و نهادی مؤثر بر توسعه کارآفرینی و نقش تعدیلی دولت با استفاده از الگوی نظریه زمینه‌ای مورد بررسی قرار گرفته و سپس با استفاده از الگوی معادلات ساختاری بررسی شده است. نتایج الگوی نظریه زمینه‌ای نشان داد که مجموعاً می‌توان ۲۷ مفهوم اصلی مرتبط با موانع توسعه کارآفرینی در ایران در نظر گرفت. در این میان ۱۰ مفهوم اصلی محیط سیاسی، محیط فرهنگی، محیط حقوقی، محیط آموزشی، محیط فناوری، ساختار دولت، محیط اقتصاد کلان، محیط مالی، محیط جغرافیایی (زیرساختار و خوشه‌ها) و ساختار تولید شرایط علی هستند که (با دو مقوله‌ی موانع نهادی و عوامل اقتصادی) می‌توانند به عنوان موانع توسعه کارآفرینی در ایران باشند. ۷ مفهوم اصلی کارآمدی، فرصت‌طلبی، خلاقیت، ریسک‌پذیری، نیاز به موفقیت، تمایل به استقلال و قدرت‌طلبی کارآفرینان (با مقوله‌ی ویژگی‌های کارآفرینان) شرایط زمینه‌ای عدم توسعه کارآفرینی در ایران هستند. از طرف دیگر، ۷ مفهوم اصلی ایجاد بستر قانونی، ترسیم خط‌مشی‌های ویژه، توسعه زیرساخت‌ها، فرهنگ‌سازی، ارائه‌ی خدمات ویژه، ارتباط با صنعت و کمک‌های مالی (با مقوله‌ی نقش دولت) شرایط مداخله‌گر

توسعه یا عدم توسعه کارآفرینی در ایران می‌باشند. در نهایت، ۳ متغیر کاهش رشد اقتصادی، افزایش فقر و نابرابری درآمدی و کاهش نرخ اشتغال، پیامدهای عدم توسعه کارآفرینی در ایران می‌باشند. نتایج تخمین الگوی معادلات ساختاری به روش PLS نشان داد که با توجه به مقادیر شاخص‌های خوبی برازش، الگوی بررسی شده از اعتبار لازم برخوردار می‌باشد. تمامی ابعاد مربوط به مؤلفه‌های الگوی نظریه زمینه‌ای و متغیرهای پنهان آن (به غیر از مؤلفه‌ی ارتباط با صنعت)، حداقل در سطح ۹۵٪ معنادار می‌باشند. علاوه بر این، دولت از نقش تعدیل‌گر معناداری بین شرایط علی (موانع نهادی و اقتصادی) و عدم توسعه کارآفرینی در ایران برخوردار بوده و اثر مثبت شرایط علی (موانع نهادی و اقتصادی) بر عدم توسعه کارآفرینی در ایران را افزایش می‌دهد و در واقع اثر تعدیل‌گر دولت بر توسعه کارآفرینی به شکل منفی می‌باشد به طوری که دولت نه تنها در تسهیل توسعه کارآفرینی نقش مثبت و مهمی ایفا نکرده است؛ بلکه خود موانع توسعه کارآفرینی را تقویت نموده است.

نتایج این مقاله همچنین نشان داد که دو عامل محیط سیاسی و محیط اقتصاد کلان دارای بیشترین اهمیت در عدم توسعه کارآفرینی هستند، لذا افزایش اثربخشی و کارایی محیط سیاسی و کاهش فساد، ریسک سیاسی و مداخلات سیاسی و همچنین افزایش ثبات اقتصادی می‌تواند منجر به توسعه کارآفرینی گردد. همچنین از آنجایی که نقش دولت می‌تواند منجر به افزایش اثرات نامطلوب موانع نهادی و اقتصادی بر عدم توسعه کارآفرینی در ایران شود لذا با توجه حجم وسیع حضور و دخالت‌های دولت در اقتصاد، به مسئولان حوزه کارآفرینی کشور به ویژه وزارت کار، تعاون و رفاه اجتماعی پیشنهاد می‌شود که در سیاست‌گذاری‌های خود دقت بیشتری داشته باشند تا بتوانند از طریق نقش‌های تعدیلی شناسایی شده در مطالعه‌ی حاضر از جمله ایجاد بستر قانونی، ترسیم خط‌مشی‌های ویژه، توسعه زیرساخت‌ها، فرهنگ‌سازی، ارائه‌ی خدمات ویژه و کمک‌های مالی، موجبات توسعه کارآفرینی در کشور و در نتیجه افزایش رشد اقتصادی، کاهش فقر و نابرابری و افزایش نرخ اشتغال را فراهم آورند.

پی‌نوشت‌ها

۱. مقوله‌ها در مقایسه با مفاهیم، انتزاعی‌تر بوده و سطحی، بالاتر را نشان می‌دهند. آنها از طریق همان فرآیند تحلیلی، انجام مقایسه‌ها برای برجسته‌سازی شباهت‌ها و تفاوت‌ها که در سطح پایین‌تر برای تولید مفاهیم استفاده می‌شود تولید می‌گردند. مقوله‌ها، شالوده‌های ساختن نظریه هستند و ابزاری فراهم می‌کنند که به وسیله‌ی آن نظریه می‌تواند یکپارچه شوند.
۲. متغیرهای مکنون یا پنهان متغیرهایی هستند که به صورت مستقیم قابل اندازه‌گیری نیستند بلکه از طریق یک مجموعه از شاخص‌ها یا متغیرهای مشاهده پذیر بررسی می‌شوند.
۳. برای تخمین الگو، در مقاله حاضر از نرم افزار Smart PLS استفاده شده است.
۴. لازم به ذکر است که ورود این مؤلفه در مدل منجر به نامناسب شدن معیارهای خوبی برازش نیز شده و بنابراین از مدل خارج گردیده است.

منابع

- احمدپورداریانی، محمود (۱۳۸۳). کارآفرینی: تعاریف، نظریات، الگوها. چاپ پنجم. تهران: انتشارات پردیس.
- انتظاری، یعقوب (۱۳۹۷). زیست‌بوم کارآفرینی نوآورانه: الگوی عمومی و پیام‌هایی برای ایران. توسعه کارآفرینی. ۱۱(۱). صص ۴۰-۲۱.
- ایمانی، عبدالمجید. یعقوبی، نورمحمد و مبارکی، مسلم (۱۳۹۶). شناسایی و اولویت‌بندی خط‌مشی‌های توسعه کارآفرینی بخش تعاون. توسعه کارآفرینی، ۱۰(۱). صص ۳۹-۲۱.
- آراستی، زهرا. زارعی، هادی و دیده‌ور، فاطمه (۱۳۹۲). بررسی سیاست‌های تنظیمی توسعه کارآفرینی اجتماعی با رویکرد تطبیقی. توسعه کارآفرینی. ۶(۲). صص ۲۱۴-۱۹۵.
- حسینی گل افشانی، سیداحمد و صمدزاده، مسعود (۱۳۹۷). بررسی تأثیر زیرساخت‌های فناوری اطلاعات بر گسترش کارآفرینی در فضای مجازی- مطالعه موردی

شرکت توسعه نرم‌افزار کارنو. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. شماره ۶. صص ۱۴۰-۱۲۶.

چراتیان، ایمان و قربانی، سعید (۱۳۹۳). تحلیل آثار سیاست‌های پولی و مالی بر کارآفرینی (با تأکید بر بخش زنان). توسعه کارآفرینی. ۷(۴). صص ۷۹۳-۷۷۳.
دانایی فرد، حسن (۱۳۸۶). ارتقاء کارآفرینی در ایران: تحلیلی بر نقش دولت. پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۲۲۱. صص ۲۶۲-۲۴۲.

داوری، علی و رضایی، حمیدرضا (۱۳۸۵). نقش دولت و خط‌مشی‌های دولتی در توسعه کارآفرینی. فصلنامه علوم مدیریت ایران. ۱(۲). صص ۱۲۹-۱۰۹.

داوری، علی. سفیدبری، لیلا و باقرصاد، وحید (۱۳۹۶). عوامل اکوسیستم کارآفرینی ایران بر اساس الگوی آیزنبرگ. توسعه کارآفرینی. ۱۰(۱). صص ۱۲۰-۱۰۱.

دیوسالار، سمانه و بزرگی، فرشاد (۱۳۹۱). بررسی نقش کارآفرینی در رشد اقتصادی و توسعه پایدار. کنفرانس ملی کارآفرینی و مدیریت کسب‌وکارهای دانش‌بنیان، بابلسر، شرکت پژوهشی طرود شمال.

زیبری، هدی (۱۳۹۶). ریسک سیاسی، نهادها و کارآفرینی. فصلنامه اقتصاد مقداری. ۱۱(۱). صص ۲۰۶-۱۷۳.

شیراوند، فاطمه. مظهری، رضا. محمدی خیاره، محسن و توماج، عبدالسعید (۱۳۹۸). بررسی تأثیر عوامل نهادی رسمی و غیررسمی بر کارآفرینی و نتیجه آن بر رشد اقتصادی: شواهدی از کشورهای منا (۲۰۱۵-۲۰۰۸). تحقیقات اقتصادی. ۵۴(۱). صص ۲۳۳-۲۰۹.

صمدی، علی حسین و میرهاشمی، سیدمحمد (۱۳۹۶). بررسی اثر سیاست‌های مالیاتی بر فعالیت‌های کارآفرینانه (مطالعه موردی کشورهای منبع محور، کارایی محور و نوآور محور). پژوهشنامه مالیات، ۳۳(۱). صص ۳۱-۱۱.

طیعی، سیدکمیل و فخری، مریم (۱۳۸۹). بررسی آثار جهانی‌شدن و تجارت بین‌الملل بر توسعه کارآفرینی (مطالعه موردی کشورهای OECD). توسعه کارآفرینی. ۳(۳). صص ۴۵-۳۷.

عقیلی، فریبا السادات. طیعی، سیدکمیل. زمانی، زهرا و ابراهیمی، نسرين (۱۳۹۱). اثر کارآفرینی و توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط بر اشتغال: تجربه‌ی چند کشور منتخب در حال توسعه. توسعه کارآفرینی. ۵(۲). صص ۱۶۴-۱۴۵.

عیسی‌زاده، سعید و جهانبخش، مه‌انفر (۱۳۹۱). نقش نهادها در شکل‌دهی کارآفرینی در کشورهای منتخب جهان. پژوهشنامه اقتصادی. ۱۲(۴۴). صص ۲۱۲-۱۹۹.

غلامی، حسام‌الدین و قلی‌فر، احسان (۱۳۹۶). بررسی موانع توسعه کارآفرینی در شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای فنی و مهندسی استان اصفهان از دیدگاه اعضا، کارآفرینی در کشاورزی. ۴(۴). صص ۶۵-۴۹.

فتاحی، حمیدرضا و طباحیان، ندا (۱۳۹۵). بررسی نقش سیاست‌های دولت در بهره برداری از فرصت‌های کارآفرینانه. فصلنامه سیاست‌های مالی و اقتصادی. ۴(۱۶).

صص ۱۷۳-۱۵۱.

فلاح حقیقی، نگین. حاجی حسینی، حجت اله، رمضانپور نرگسی، قاسم و داوری، علی (۱۳۹۶). شناسایی و تحلیل عوامل اثرگذار بر توسعه کارآفرینی در حوزه فناوری

اطلاعات و ارتباطات. فصلنامه مدیریت توسعه فناوری. ۴(۴). صص ۹۲-۶۵.

کاظمی ترقبان، مریم و مبارکی، محمدحسن (۱۳۹۱). بررسی اثر کارآفرینی بر رشد اقتصادی ایران با استفاده از رویکرد میانگین گیری بیزی. توسعه کارآفرینی. ۵(۳).

صص ۱۴۴-۱۲۵.

کردحیدری، راحیل. منصوری مؤید، فرشته و خدادادحسینی، سیدحمید (۱۳۹۸). فراتحلیل عوامل مؤثر بر توسعه کسب و کارهای فناورانه نوپا در اکوسیستم

کارآفرینی. توسعه کارآفرینی. ۱۲(۱). صص ۱۶۰-۱۴۱.

محمدزاده، یوسف. حکمتی فرید، صمد و میرعلی اشرفی، کبری (۱۳۹۵). بررسی تأثیر آزادی اقتصادی بر روی توسعه کارآفرینی در کشورهای منتخب. توسعه

کارآفرینی. ۹(۲). صص ۳۷۶-۳۵۷.

محمدی خیاره، محسن (۱۳۹۷). بررسی تأثیر فرار مالیاتی و فساد بر کارآفرینی: مورد

مطالعه کشورهای OECD. توسعه کارآفرینی. ۱۱(۳). صص ۵۲۰-۵۰۱.

مرادزاده، عبدالباسط. قاسمی، محمد. سالارزهی، حبیب الله یعقوبی، نورمحمد و بذرافشان، جواد (۱۳۹۷). اولویت بندی پیشرانهای توسعه اکتوریسم کارآفرینانه

با رویکرد توانمندسازی اجتماع محور. توسعه کارآفرینی. ۱۱(۱). صص ۱۷۹-

۱۶۱.

مرادی، محمدعلی. سخدری، کمال و صنیعی، شیما (۱۳۹۶). تأثیر عوامل نهادی بر نرخ

کارآفرینی بین المللی در کشورهای در حال توسعه. توسعه کارآفرینی. ۱۰(۲).

صص ۳۵۸-۳۳۹.

مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۴). تحلیلی بر محیط کسب و کار و بهره برداری از فرصت های کارآفرینی در ایران. معاونت پژوهش های اقتصادی، دفتر

مطالعات اقتصادی. شماره مسلسل: ۱۴۳۷۵.

مودتی، مهدیه. ترابی، تقی. محمودزاده، محمود و معمارنژاد، عباس (۱۳۹۷). عوامل

نهادی رسمی و غیررسمی، کارآفرینی فرصت گرا و رشد اقتصادی به روش

گشتاور تعمیم یافته. توسعه کارآفرینی. ۱۱(۳). صص ۵۳۹-۵۲۱.

هندیجانی فرد، مرتضی. حجازی، سیدرضا (۱۳۹۷). شناسایی عوامل تأثیرگذار در قصد

کارآفرینانه اجتماعی در بستر اسلامی. توسعه کارآفرینی. ۱۱(۳). صص ۶۰۰-۵۸۱.

یادگار، نسیم. معمارانی، محمد مهدی و صدق آمیز، عبدالرضا (۱۳۹۳). قصد کارآفرینانه

اجتماعی: اثر متقابل نگرش کارآفرینانه اجتماعی، امنیت مالی و سرمایه اجتماعی.

توسعه کارآفرینی. ۷(۱). صص ۱۵۲-۱۳۳.

یعقوبی فرانی، احمد. سلیمانی، عطیه. موحدی، رضا و اسکندری، فرزاد (۱۳۹۲). تأثیر

عوامل آموزشی و نهادی بر کارآفرینی زنان روستایی (مورد مطالعه: استان

همدان). توسعه کارآفرینی. ۶(۲). صص ۱۳۴-۱۱۵.

- Acs, Z.J., Estrin, S., Mickiewicz, T. (۲۰۱۸). Entrepreneurship, Institutional Economics, and Economic Growth: An Ecosystem Perspective. *Small Bus Econ*, ۵۱(۲), ۵۰۱-۵۱۴.
- Aghion, P., Blundell, R., Griffith, R., Howitt, P., Prantl, S., & Xu, L. C. (۲۰۱۰). The Effects of Business Environments on Development: Surveying New Firm-Level Evidence. *The Review of Economics and Statistics* (Vol. ۹۱). The World Bank.
- Aidis, R., Estrin, S., & Mickiewicz, T. (۲۰۰۸). Institutions and entrepreneurship development in Russia: A comparative perspective. *Journal of business Venturing*, ۲۳(۶), ۶۵۶-۶۷۲.
- Alfaro, L. and A. Charlton (۲۰۰۶). International Financial Integration and Entrepreneurship. CEP Discussion Paper: No ۷۵۵.
- Ali, A. Kelley, D. J. and Levie, J. (۲۰۲۰). Market-Driven Entrepreneurship and Institutions. *Journal of Business Research*, Volume ۱۱۳, Pages ۱۱۷-۱۲۸. <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2019.03.010>.
- Aparicio, S., Urbano, D. and Audretsch, D. (۲۰۱۵). Institutional Factors, Opportunity Entrepreneurship and Economic Growth: Panel Data Evidence, *Technological Forecasting & Social Change*, ۱۰۲ (۱): ۴۵-۶۱.
- Bosma, N., Content, J., Sanders, M. et al. Institutions, entrepreneurship, and economic growth in Europe. *Small Bus Econ* ۵۱, ۴۸۳-۴۹۹ (۲۰۱۸). <https://doi.org/10.1007/s11187-018-0012-x>.
- Boudreaux, C. J. Nikolaev, B. N. Klein, P. (۲۰۱۹). Socio-Cognitive Traits and Entrepreneurship: The Moderating Role of Economic Institutions. *Journal of Business Venturing*, vol ۳۴(۱). ۱۷۸-۱۹۶.
- Chukwuemeka, E. (۲۰۱۱). The Challenges of Government Policy on Entrepreneurship in Nigeria. *The Journal of Commerce*, ۳(۲), ۱۱-۲۰. ISSN: ۲۲۱۸-۸۱۱۸, ۲۲۲۰-۶۰۴۳
- Crnogaj, K. and Bradač Hojnik, B. (۲۰۱۶). Institutional Determinants and Entrepreneurial Action, Management: *Journal of Contemporary Management Issues*, ۲۱(Special issue): ۱۳۱- ۱۵۰.
- Dana, L. P. (۱۹۸۷). Entrepreneurship and Venture Creation: An International Comparison of Five Commonwealth Nations. *Frontiers of Entrepreneurship Research*, ۷, ۵۷۳-۵۸۳.
- Dreher, A. and Gassebner, M. (۲۰۰۷). Greasing the Wheels of

- Entrepreneurship? The Impact of Regulations and Corruption on Firm Entry. CESIFO working paper NO. ۲۰۱۳.
- Dutta, N., R. S. Sobel. and S. Roy. (۲۰۱۳). Entrepreneurship and Political Risk. *Journal of Entrepreneurship and Public Policy*, ۲(۲): ۱۳۰ – ۱۴۳.
- Fuentelsaz, L., Maricas, J. and Monteri, J. (۲۰۱۸). Entrepreneurs and Innovation: The Contingent Role of Institutional Factors. *International Small Business Journal*, ۳۶(۴): ۷۲- ۸۷.
- García R. José L. and Toninelli, P. A. (۲۰۱۰). *The Determinants of Entrepreneurship: Leadership, Culture and Institutions*. London: Pickering and Chatto.
- Georgellis, Y., & Wall, H. J. (۲۰۰۲). Entrepreneurship and the policy environment. Federal Reserve Bank of St. Louis Working Paper Series, (۲۰۰۲-۰۱۹).
- Gupta, R., Jain, K., Kusre, A., & Kirankumar, S. M. (۲۰۱۵). Technology entrepreneurship ecosystem in India: findings from a survey. In POMS ۲۶th Annual Conference, Washington DC, USA.
- Hall, J. C., & Sobel, R. S. (۲۰۰۶). *Public Policy and Entrepreneurship* (Technical Report, ۰۶-۰۷۱۷). Lawrence, KS: Center for Applied Economics, University of Kansas.
- Hanteau, J. Fredreric, P. and Virginie, V. (۲۰۱۱). How do Institutions Affect Entrepreneurship? Indonesian Evidences, GRIDS, Euromed School of Management, Marseille, France.
- Hawkins, D. I. (۱۹۹۳). New Business Entrepreneurship in the Japanese Economy. *Journal of Business Venturing*, ۸(۲), ۱۳۷-۱۵۰.
- Herrera-Echeverri, H., Haar, J. and Estévez-Bretón, J. B. (۲۰۱۴). Foreign Direct Investment, Institutional Quality, Economic Freedom and Entrepreneurship in Emerging Markets, *Journal of Business Research*, ۶۷(۹): ۱۹۲۱- ۱۹۳۲.
- Hopkins, V. (۲۰۱۶). Institutions, incentives, and policy entrepreneurship. *Policy Studies Journal*, ۴۴(۳), ۳۳۲-۳۴۸.
- Ngunjiri, I. (۲۰۱۰). Corruption and entrepreneurship in Kenya. *Journal of Language, Technology & Entrepreneurship in Africa*, ۲(۱), ۹۳-۱۰۶.
- Khaksar, S. (۲۰۱۱). The Role of Government Policy and the Growth of Entrepreneurship in the Micro, Small (&) Medium-Sized Enterprises in India: An Overview. *Australian Journal of Basic and Applied Sciences*,

۵(۶), ۱۵۶۳-۱۵۷۱.

- Kwapisz, A. (۲۰۱۹). Do Government and Legal Barriers Impede Entrepreneurship in the U.S.? An Exploratory Study of Perceived vs. Actual Barriers. *Journal of Business Venturing Insights*, ۱۱, June ۲۰۱۹, e۰۰۱۱۴, <https://doi.org/۱۰.۱۰۱۶/j.jbvi.۲۰۱۹.e۰۰۱۱۴>.
- North, D. C. (۲۰۰۵). *Understanding the Process of Economic Change*. Princeton: Princeton University Press.
- Obaji, N. O., and Olugu, M. U. (۲۰۱۴). The Role of Government Policy in Entrepreneurship Development. *Science Journal of Business and Management*, ۲(۴), ۱۰۹-۱۱۵.
- Palifka, B. (۲۰۰۶). *Corruption and Entrepreneurship in Brazil*. Presented at the ۱۵۰-mile Conference Edinburg, Texas.
- Rezaei, Shahamak; Dana, Léo-Paul and Ramadani, Veland. (۲۰۱۷). *Iranian Entrepreneurship: Deciphering the Entrepreneurial Ecosystem in Iran and in the Iranian Diaspora*, Springer International Publishing AG ۲۰۱۷.
- Roja, A. (۲۰۱۵). Technology Entrepreneurial Ecosystems and Entrepreneurship in the West Region of Romania. *Studia Universitatis Economics Series*, ۲۵(۱): ۴۰-۵۹.
- Samadi, A. H. (۲۰۱۸). Institutions and entrepreneurship in MENA countries. In *Entrepreneurship Ecosystem in the Middle East and North Africa (MENA)* (pp. ۵۳-۹۳). Springer, Cham.
- Scott, W. R., and Christensen, S. (۱۹۹۵). *The Institutional Construction of Organizations: International and Longitudinal Studies*. Sage Publications, Inc.
- Shane, S. A. (۲۰۰۳). *A general theory of entrepreneurship: The individual-opportunity nexus*. Edward Elgar Publishing.
- Spigel, B. (۲۰۱۷). The relational organization of entrepreneurial ecosystems. *Entrepreneurship Theory and Practice*, ۴۱(۱), ۴۹-۷۲ <https://doi.org/۱۰.۱۱۱۱/etap.۱۲۱۶۷>.
- Stenholm, P., Acs, Z. J., & Wuebker, R. (۲۰۱۳). Exploring country-level institutional arrangements on the rate and type of entrepreneurial activity. *Journal of Business Venturing*, ۲۸(۱), ۱۷۶-۱۹۳.
- Strauss, A. L., Corbin, J. M. (۱۹۹۸). *Basics of Qualitative Research: Techniques and Procedures for Developing Grounded Theory*. (۲nd Edition). California: Thousand Oaks.

- Suresh, J. Ramraj, R. (۲۰۱۲). Entrepreneurial Ecosystem: Case Study on the Influence of Environmental factors on Entrepreneurial Success. *European Journal of Business and Management*, ۴(۱۶): ۹۵-۱۰۲.
- Tayebi S. K., K. Azarbaiejani and Y. Abbaslou (۲۰۰۹). Exploration of the Relationship Between Cultural-Socio-Economic Determinants and Entrepreneurship. *Quarterly Iranian Economic Research*, Vol. ۱۳, No. ۳۹, PP. ۱۱-۲۷.
- Terjesen, S., and Hessels, J. (۲۰۰۹). Varieties of Export-Oriented Entrepreneurship in Asia. *Asia Pacific Journal of Management*, ۲۶(۳), ۵۳۷-۵۶۱.
- Tsai, W. H., & Kuo, H. C. (۲۰۱۱). Entrepreneurship policy evaluation and decision analysis for SMEs. *Expert Systems with Applications*, ۳۸(۷), ۸۳۴۳-۸۳۵۱.
- Amorós, J. E., Borraz, F., & Veiga, L. (۲۰۰۹). Do Socio-economic Indicators Really Matters for Entrepreneurship? A Latin-American perspective. In *ICSB World Conference Proceedings* (p. ۱). International Council for Small Business (ICSB).
- Vinig, G. T. and J. d. Kluijver (۲۰۰۷). Does Globalization Impact Entrepreneurship? *Comparative Study of Country Level Indicators*. PrimaVera Working Paper: ۲۰۰۷-۱۶.
- Volchek, D., Saarenketo, S., & Jantunen, A. (۲۰۱۵). Structural model of institutional environment influence on international entrepreneurship in emerging economies. In *Institutional Impacts on Firm Internationalization* (pp. ۱۹۰-۲۱۶). Palgrave Macmillan, London.
- Wadhvani, D. Geoffrey J. (۲۰۱۴). Schumpeter's Plea: Historical Reasoning in Entrepreneurship Theory and Research. In *Organizations in Time: History, Theory, Methods*, edited by Marcelo Bucheli and Daniel Wadhvani, ۱۹۲-۲۱۶. Oxford: Oxford University Press.